

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی

گروه علوم قرآن و حدیث

جایگاه و نقش رفق و مدارا در پیشبرد رسالت پیامبر اکرم (ص) از منظر قرآن و سنت
نبوی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم قرآن و حدیث

دانشجو

شیما صادقی

استاد راهنما

دکتر محمد مولوی

استاد مشاور

دکتر ایرج گلجانی امیرخیز

دی ۱۳۹۶

چکیده:

نقش و جایگاه رفق و مدارا در پیشبرد رسالت پیامبر اکرم (ص) در دوران تبلیغ و هدایت اقشار مختلف جامعه بسیار حائز اهمیت است. از اصول اخلاقی و اساسی حاکم بر رفتار رسول خدا در دوران رسالت و تبلیغ و هدایت اقشار مختلف جامعه رفق و مدارا بود. به گونه ای که حتی مخالفان و دشمنان نیز از رحمت گسترده پیامبر (ص) بی بهره نبودند. در قرآن کریم بارها بر ویژگی رفق و مدارا پیامبر (ص) با مردم تأکید شده، مانند آنجا که می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ...» (آل عمران: ۱۵۹). روایات فراوانی در خصوص اهمیت و ارزش رفق و مدارا با مردم در سیره نبوی موجود است. رفق و مدارا در اسلام تا زمانی جایز است که به اصول اعتقادات و فروع آن صدمه ای نزنند. در واقع باید حد و مرز مدارا با واژگانی همچون سازش کاری و مدافعت مشخص گردد. رسول خدا (ص) در محیطی به رسالت مبعوث گشت که مردم به لحاظ اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی در سطح نامناسبی به سر می بردند. پیامبر (ص) در دوران بیست و سه ساله حیات سیاسی و اجتماعی رسالت خویش به اشکال مختلفی به رفق و مدارا با افرادی شامل: اعراب بادیه نشین، مشرکان، منافقان، اهل کتاب، پادشاهان همسایه و خانواده پرداخت. جلوه هایی به طور مصداقی در خصوص صبر و مدارای ایشان در برابر این گروه ها در تاریخ موجود است. این پژوهش در صدد است که اهمیت رفق و مدارا در پیشبرد رسالت نبوی و پیامدهای آن را که شامل جذب اقشار مختلف مردم به دین اسلام، نزدیکی قلوب به یکدیگر، رفع کینه و کدورت، ایجاد اتحاد بین مردم و رغبت بیشتر به انجام تکالیف دینی است را بیان کند.

واژگان کلیدی: رفق، مدارا، پیامبر اکرم (ص)، سنت نبوی، مخالفان پیامبر، رسالت نبوی

فهرست مطالب

۱. تعریف مسأله	۱
۲. طرح سوالات اصلی تحقیق	۱
۳. فرضیات اصلی تحقیق	۲
۴. بیان روش و مراحل انجام کار تحقیق	۲
۵. نتایج علمی قابل پیش‌بینی از تحقیق	۲
فصل اول: کلیات و مفاهیم	
۱-۱. مفهوم شناسی رفق و مدارا	۴
۱-۱-۱. مفهوم شناسی رفق	۴
۱-۱-۲. مفهوم شناسی مدارا	۴
۲-۱. مفاهیم مشابه رفق و مدارا	۵
۲-۱-۱. لینه	۵
۲-۱-۲. عفو	۶
۲-۱-۳. صبح	۶
۲-۱-۴. عُفْران	۷
۲-۱-۵. صبر	۷
۲-۱-۶. حلم	۸
۲-۱-۷. رأفت	۸
۲-۱-۸. مداهنه	۹
۲-۱-۹. تساهل و تسامح	۹
۳-۱. رفق و مدارا در قرآن و روایات نبوی	۱۱
۳-۱-۱. رفق و مدارا در قرآن	۱۱
۳-۱-۲. رفق و مدارا در روایات نبوی	۱۳
فصل دوم: زندگینامه و ویژگیهای دوران رسالت پیامبر اکرم (ص)	
۱-۲. ویژگی های فرهنگی، اجتماعی دوران جاهلیت	۱۷

- ۱۷-۱-۲. ۱. امی بودن اعراب ۱۷
- ۱۸-۱-۲. ۲. علاقه شدید به شعر و شاعری ۱۸
- ۱۸-۱-۲. ۳. نبود علم و دانش ۱۸
- ۱۸-۱-۲. ۴. شیوع جهل و خرافات ۱۸
- ۱۹-۱-۲. ۵. زندگی در قالب نظام قبیله‌گی ۱۹
- ۲۰-۱-۲. ۶. نژادپرستی و تعصب قبیله‌گی ۲۰
- ۲۱-۱-۲. ۷. انتقام جویی و رقابت و تفاخرهای طایفه ای ۲۱
- ۲۱-۱-۲. ۸. جنگ و غارت و آدم کشی ۲۱
- ۲۲-۱-۲. ۹. بی‌ارزش بودن زن در جامعه عرب جاهلی ۲۲
- ۲۳-۲. ۲. ویژگی های فرهنگی، اجتماعی دوران جاهلیت از دیدگاه امام علی (ع) ۲۳
- ۲۵-۲. ۳. زندگی نامه پیامبر اکرم (ص) ۲۵
- ۲۵-۳-۲. ۱. از تولد تا بعثت ۲۵
- ۲۷-۳-۲. ۲. از بعثت تا هجرت ۲۷
- ۳۰-۳-۲. ۳. از هجرت تا رحلت حضرت محمد (ص) ۳۰
- ۳۱-۳-۳-۲. ۱-۳-۳. غزوات و سرایای معروف و مهم ۳۱
- ۳۲-۲. ۴. ویژگی های اعتقادی، فرهنگی اجتماعی دوران رسالت پیامبر اکرم (ص) ۳۲
- ۳۴-۲. ۵. گروه‌های اصلی مخالف پیامبر اکرم (ص) ۳۴
- ۳۵-۵-۲. ۱. مشرکان ۳۵
- ۳۷-۵-۲. ۲. اهل کتاب ۳۷
- ۴۰-۵-۲. ۳. منافقان ۴۰

فصل سوم: جلوه‌های رفق و مدارا و پیامدهای آن در پیشبرد رسالت پیامبر (ص) از منظر

قرآن و سنت نبوی ۴۵

- ۴۶-۳. ۱. اصول و مبانی رفق و مدارا در سیره نبوی ۴۶
- ۴۸-۳. ۲. پیامدهای رفق و مدارا در پیشبرد رسالت پیامبر (ص) در برخورد با مشرکان ۴۸
- ۵۹-۳. ۳. پیامدهای رفق و مدارا در پیشبرد رسالت پیامبر (ص) در برخورد با منافقان ۵۹
- ۶۶-۳. ۴. پیامدهای رفق و مدارا در پیشبرد رسالت پیامبر (ص) در برخورد با اهل کتاب ۶۶



- ۳-۴-۱. رفق و مدارای پیامبر اعظم (ص) با یهودیان ۶۶
- ۳-۴-۲. رفق و مدارای پیامبر اعظم (ص) با مسیحیان ۷۷
- ۳-۵. پیامدهای رفق و مدارا در پیشبرد رسالت پیامبر (ص) در برخورد با پادشاهان همسایه ۸۱
- ۳-۶. پیامدهای رفق و مدارا در پیشبرد رسالت پیامبر (ص) در تعامل با خانواده ۸۵
- نتیجه گیری: ۹۱
- منابع و مآخذ ۹۳

مقدمه

۱. تعریف مسأله

«رفق» به معنای نرم‌خویی، میانه‌روی و محکم‌کاری آمده است. «مدارا» نیز به معنای سهل‌گیری، نرمی، بردباری، ملاحظت و ملایمت در برخورد با دیگری است. این مفهوم در قرآن کریم و روایات در قالب واژه‌هایی چون یسر، سهل، لین، صبر، تساهل، تسامح، تفاهم، نفی حرج، نفی عسر و واژگانی مشابه از این قبیل آمده است. این واژگان اگرچه دقیقاً مترادف همدیگر نیستند ولی گاهی به جای همدیگر به کار می‌روند. نظام هدایت و تربیت دینی نیز بر اساس سهل‌گیری، شکیبایی و ملاحظت در برابر مخاطب به منظور جذب و هدایت استوار شده و از آن جایی که هدایت جلوه‌های گوناگونی دارد مفهوم رفق و مدارا در قرآن و سیره نبوی به اشکال گوناگون مورد توجه بوده است. رفق و مدارا و تحمل دشواریها برای هدایت مردم یکی از صفات برجسته پیامبران و رسولان الهی بوده است. پیامبر اکرم (ص) نیز در دوران بیست و سه ساله حیات سیاسی و اجتماعی رسالت خویش برای جذب و هدایت بت پرستان و مشرکان قریش، اعراب بادیه نشین، یهودیان و مسیحیان حجاز و دیگر مناطق، منافقان مدینه و عموم مردم به تناسب مخاطبان به شکل‌های گوناگونی از صفت رفق و مدارا بهره می‌جستند و مردم را به سوی دین اسلام و رعایت احکام دینی ترغیب می نمودند. از آنجایی که به طور خاص درباره جایگاه و نقش مدارا و اهمیت آن در تبلیغ رسالت نبی اکرم (ص) پژوهشی مستقل و بر اساس آیات قرآن کریم صورت نگرفته، این پژوهش درصدد است تا بر اساس آیات قرآن کریم به تبیین جایگاه رفق و مدارا در تبلیغ رسالت نبوی و سیره تربیتی ایشان، موارد استفاده از رفق و مدارا، محدوده و آثار تربیتی آن در پیشبرد رسالت نبوی پردازد.

۲. طرح سوالات اصلی تحقیق

۱. بر اساس قرآن کریم رفق و مدارا در پیشبرد رسالت نبوی چه جایگاهی دارد؟
۲. بر اساس قرآن کریم ویژگی‌ها، شرایط و گستره استفاده از رفق و مدارا در رسالت نبوی چه میزان است؟
۳. کارکرد رفق و مدارا در سیره عملی و تبلیغی پیامبر (ص) چگونه بود؟

۰۳ فرضیات اصلی تحقیق

۱. یکی از اصول اساسی حاکم بر رفتار پیامبر گرامی اسلام برای هدایت اقشار مختلف مردم اصل رفق و مدارا بود به گونه‌ای که در قرآن کریم بارها بر این ویژگی پیامبر تأکید شده است مانند آنجا که می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹)
۲. پیامبر اکرم (ص) در بهره‌گیری از رفق و مدارا متناسب با شرایط و سطح فکری مخاطبان و ویژگی‌ها و خصوصیات افراد از حیث ایمان، علم، آگاهی، توان جسمی، واجب یا غیر واجب بودن عمل دینی و یا مساله اعتقادی بودن یا نبودن آن به شکل‌های گوناگونی از رفق و مدارا بهره می بردند. مدارا در اسلام و سیره پیامبر اعظم تا زمانی جایز است که به مبانی و ارزش‌ها و اصول اعتقادی صدمه ای وارد نشود و مصلحتی هم برای جامعه اسلامی داشته باشد. قرآن کریم پیامبر اعظم را از مداهنه و سازش با کفار نهی می کند.
۳. رفق و مدارا کارکردهای زیادی در تبلیغ رسالت نبوی داشته است از جمله: جذب اقشار مختلف مردم به دین اسلام، نزدیکی قلوب به همدیگر، ایجاد اتحاد بین مردم، رغبت بیشتر به انجام تکالیف دینی و موارد دیگر.

۰۴ بیان روش و مراحل انجام کار تحقیق

- روش تحقیق در این پایان‌نامه توصیفی - تحلیلی خواهد بود. ابزار گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و از نرم‌افزارهای کاربردی نیز استفاده می گردد.

۰۵ نتایج علمی قابل پیش‌بینی از تحقیق

- تبیین علمی جایگاه و نقش رفق و مدارا در تبلیغ رسالت نبوی بیان کارکردهای رفق و مدارا در امر تبلیغ دین برای مبلغان.



فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱. مفهوم شناسی رفق و مدارا

۱-۱-۱. مفهوم شناسی رفق

رفق در لغت، به معنای «نرمی و لطافت»، در مقابل «شدت و خشونت» است. در همه موارد کاربرد آن، مفهوم «نرمی و راحتی» را در بردارد (ابن فارس، ۱۴۱۱، ۴۱۸/۲). از آن جا که به طور معمول، میانه‌روی در انجام دادن کارها، سهولت انجام دادن آن‌ها و نیکی و استحکام عمل را در پی دارد، واژه رفق به معنای «میانه‌روی»، «حسن انجام دادن عمل» و «احکام عمل» نیز به کار رفته است (طریحی، ۱۴۰۸، ۵ / ۱۶۹-۱۷۲). با توجه به معنای لغوی «رفق»، می‌توان گفت که این واژه در زبان عربی بدین معنا است که فرد، کاری را زیبا و دقیق و محکم انجام دهد. رفق، ضد خُرق است؛ (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱ / ۱۹۷) یعنی نرمی و برخورد با لطافت و خُرق یعنی سخت‌گیری و خشونت و عجله و ترک رفق (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ۱ / ۲۹۸).

با وجود اینکه معنای دو واژه (رفق و مدارا) بسیار به یکدیگر نزدیک است، موارد کاربرد آن‌ها در زبان عربی متفاوت است؛ رفق عمدتاً در مورد موافقان و دوستان و حداکثر در مورد غیر مخالفان به کار می‌رود؛ در حالی که مدارا؛ به ویژه مدارای احتیاطی، بیشتر در مورد مخالفان و دشمنان به کار می‌رود. رفق و مدارا در معنایی اعم از معنای رفق و مدارا به‌تنهایی به کار رفته است. اما امروزه در زبان فارسی این دو واژه با یکدیگر مترادف هستند و به صورت ترکیبی و با یکدیگر به کار می‌روند (داوودی، ۱۳۹۳، ۲ / ۲۴۷-۲۴۸).

۱-۲. مفهوم شناسی مدارا

مدارا در لغت، به معنای ملاطفت و برخورد نرم است (ابن فارس، ۱۴۱۱م، ۲۷۱/۲). مدارا از واژه «دری» یا «درأ» اشتقاق یافته است. «دری» به معنای آگاهی و شناختی است که از راه مقدماتی و غیر معمول، به دست می‌آید (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۱ / ۳۱۲). «درأ» نیز در اصل به معنای «دفع کردن» است (ابن فارس، ۱۴۱۱، ۲ / ۲۷۲). واژه مدارا اگر از «دری» گرفته شده باشد با معنای اصلی آن در «دَرَيْتُ الظَّبِيَّ» تناسب دارد، گویی آدمی با تحمل طرف مخالف و برخورد ملایم با او، وی را در کمند محبت خویش گرفتار می‌سازد؛ و اگر از «درأ» مشتق باشد به این مناسبت که آدمی با برخورد ملایم خود، بدی او را دفع می‌کند (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ۱۴ / ۲۵۵). مدارا در اصطلاح به معنای «مراعات ظرفیت‌ها و سطوح مختلف مخاطبان» است؛ چرا که ظرفیت و توانایی عقلی، ایمانی و جسمی افراد با یکدیگر متفاوت است و از این رو، مبلغ در تبلیغ دین باید به ظرفیت مخاطبان خود و اقتضائات آنان توجه نموده، از آن‌ها بیش از توان‌شان توقع نداشته باشد (پیلتن، ۱۴۳۳، ۶۷-۶۶). به عبارتی

دیگر مدارا به رفتار معقول، سنجیده، ملایم، مهربانانه و خردمندانه ای گفته می‌شود که برای رسیدن به هدف شگرفی انجام می‌پذیرد. در حقیقت مدارا ضد تعصب، خشونت و انحصار معرفتی و استبداد فکر است؛ فلسفه وجودی مدارا عبارت از همزیستی مسالمت آمیز و عقلانی انسان‌های مختار و آزاد در کنار یکدیگر است نه فلسفه بردگی، بندگی و در یوزگی و مبنای آن علم انسان‌شناسی بلندنظرانه و انعطاف پذیر است. در مدارا کنار آمدن با مردم اصل است، اما در مداهنه هم‌رنگی با جماعت و کوتاه آمدن از حق مورد نظر می‌باشد (مروتی، ۱۳۷۹، ۱۵).

۲-۱. مفاهیم مشابه رفق و مدارا

در این قسمت به تعدادی از لغات مشابه رفق و مدارا می‌پردازیم. این لغات اگرچه از لحاظ معنایی به رفق و مدارا نزدیک هستند ولی، جایگزین این لغات نخواهند شد. معنای این واژگان را با استفاده از کتاب‌های لغت خواهیم آورد.

۱-۲-۱. لینه

لینه در لغت، از ریشه لَينَ (لان)، به معنای نرمی و ضد خشونت است و در اجسام به کار می‌رود و سپس درباره اخلاق و سایر معانی به طور استعاره استعمال می‌شود، می‌گویند: فلانی اخلاقی ملایم و نرم است و دیگری خشن و ناملایم، که این هر دو صفت، گاهی به صورت مدح و ستایش و زمانی به گونه سرزنش و نکوهش گفته می‌شود. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ..» (آل عمران: ۱۵۹)؛ «در اثر رحمت خدا با آن‌ها نرم و ملایم شدی» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۷۵۲/۱).

در یک آیه رمز موفقیت پیامبر و جذب مردم را لینه و نرمش آن حضرت دانسته است. (آل عمران، ۱۵۹) و در آیه دیگر نقل کرده که به موسی و هارون (ع) دستور داده است با «فرعون ستمگر و سرکش» هم با نرمش سخن بگویند: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه: ۴۴)؛ «و با او سخنی نرم گویند، شاید که پند پذیرد یا بترسد» (منتجب‌نیا، ۱۳۹۲، ۱۱۶).

درباره نرمی معنوی خداوند می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ..» (آل عمران: ۱۵۹)؛ به سبب رحمتی از سوی خداوند، تو برای آنان نرم شدی. پس مراد همان نرمی قلب در برابر خشونت قلبی است؛ اقتضای نرمی قلب، نرمی در سخن و مصاحبت و عمل است. همانند این کلام که می‌فرماید: «پس آنان را به سوی پروردگارتان با

سخن نرم بخوانید نه با سخن درشت و خشن» (طه: ۴۴). اما نرمی در پوست مانند این سخن خداوند که می‌فرماید: «ثُمَّ تَلِينَ جُلُودَهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» (الزمر: ۲۳)؛ «سپس پوست‌ها و دل‌های آنان به سوی ذکر الهی نرم می‌شود». لینت و نرمی در قلب در قبال قساوت قلب است؛ زیرا قساوت همان شدت در صلابت و سختی است. چنانکه خداوند می‌فرماید: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» (البقره: ۷۴)؛ «سپس قلب‌ها و دل‌های شما پس از آن، به شدت سخت شد و همانند سنگ یا سخت‌تر از آن شد». پس همان طوری که سنگ سخت و خارا از چیزی تاثیری نمی‌گیرد و عوارض و حوادث در آن تاثیر نمی‌گذارد، قلوب سخت و سنگدل نیز دیگر از مواظظ و تذکرات تاثیری نمی‌گیرد و دعوت و انذار الهی در آن تاثیری نمی‌گذارد (مصطفوی، ۱۰، ۱۳۶۰/۲۷۸-۲۸۱).

۱-۲-۲. عفو

عفو در لغت، به معنای «صرف نظر کردن و رها کردن» است؛ از این رو، برای بیان صرف نظر کردن از عقوبت گناه، «عفا عنه» به کار می‌رود (فراهیدی، ۲، ۱۳۸۰/۲۵۸). در مورد پشم و موی حیوان که بی توجهی و عدم پیرایش آن، افزایش آن را موجب شده، عفو معنای «تکثیر» می‌دهد؛ بدین معناست، در معنای نمو و افزایش نیز به کار رفته است و در عبارت قرآنی «حَتَّى عَفَوْا وَقَالُوا» (الأعراف: ۹۵) به همین معناست (ابن فارس، ۱۴۱۱م، ۴/۵۸-۵۹).

«عفا» به معنای «خاک» نیز آمده است که چنین معنایی بدین جهت است که به خاک توجهی نمی‌شود (همان، ۵۸). عفو به معنای قصد گرفتن چیزی نمودن است. «عَفَاً وَ اعْتَفَاً» به معنای قصد گرفتن هر چیزی که پیش اوست نمود. به هر حال معنی معمول آن به معنای گذشت و بخشودن و نادیده گرفتن است مانند: «عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَ مَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ...» (المائد: ۹۵) «خداوند از آنچه در گذشته واقع شده عفو کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۲/۶۱۹).

۱-۲-۳. صفح

واژه صفح در لغت، لب فرو بستن از نکوهش خطاکار است و رتبه ای بالاتر از عفو دارد؛ زیرا گاه اتفاق می‌افتد که شخص، کسی را عفو می‌کند؛ ولی زبان از شماتت او نمی‌بندد. «...فَاصْفَحَ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (الحجر: ۸۵)؛ «پس در گذر، در گذشتن نیکو...» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۴۸۶).

از امیر مؤمنان (ع) روایت شده است که «صفح جمیل»، عفو است که در آن سرزنش نباشد (طبرسی، ۱۳۷۹ق، ۳/ ۳۴۴). باید دانست اصل صفح به معنی جانب و روی چیز است مثل صفحه صورت، صفحه سنگ، صفحه شمیر. راغب در اقرب گوید: صفح صفحا یعنی از او اعراض کرد حقیقتش این است که صفحه صورت خویش را از او برگرداند. در مجمع فرموده: به ظاهر به پوست بدن انسان صفحه گویند (قرشی، ۱۳۷۱، ۴/ ۱۳۱). واژه صفح در قرآن در هشت مورد به کار رفته است. در هفت مورد دستور داده شده است به «صفح یا صفح جمیل» و گاهی در پی عفو آمده است، و «عفو و صفح»: بخشش و چشم پوشی نسبت به لغزش های مردم، مقدمه مغفرت «آمرزش الهی» ذکر شده است: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (نور/۲۲) (منتجب نیا، ۱۳۹۲، ۱۱۸).

۱-۲-۴. غُفران

غفران در لغت، به معنی پوشیدن چیزی که انسان را از زشتی حفظ می کند و در اصطلاح قرآنی به این معنی است که، خداوند عیوب و گناهان بندگان نادم را می پوشاند و آن ها را از عذاب و کیفر حفظ کرده و اثر گناه را محو می نماید (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۶۰۹). «غفار» و «غفور» صیغه مبالغه از ماده «غفر» و «غفران» بوده، که به معنای چشم پوشی کثیر و مداوم، از خطایا و گناهان بندگان می باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ۵/ ۲۵). با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی واژه غفران در قرآن، که معنای چشم پوشی کردن و گذشت کردن از خطاها را در پی دارد، با واژگان رفق و مدارا که به معنای نرمی و لطافت و تحمل طرف مخالف و برخورد ملایم با اوست، از تشابه برخوردار می گردد.

۱-۲-۵. صبر

«صبر» در لغت، به معنای خویشتنداری و حبس نفس است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۴۷۴). صبر ضد جزع کردن در برابر سختی و مشکلات است (فراهیدی، ۱۳۸۰، ۱۱۵). معنای اصطلاحی صبر برگرفته از معنای لغوی آن و عبارت است از استقامت در برابر مشکلات و حوادث گوناگون. نقطه مقابل آن، جزع و بی تابی و از دست دادن مقاومت و تسلیم شدن در برابر مشکلات (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ۲/ ۴۴۱). در تفسیر علامه طباطبائی، صبر عبارت است از اینکه انسان در قلب خود استقامتی داشته باشد که بتواند کنترل نظام نفس خود را- که استقامت حیات انسانی و جلوگیری از اختلال آن بستگی به آن نظام دارد - در دست گرفته، دل خود را از تفرقه و نسیان تدبیر و از خبط فکر و فساد رأی جلوگیری کند. پس صابران کسانی هستند که در مصائب استقامت به خرج داده، از پای در

نمی آیند، هجوم مکاره، پایشان را نمی لغزاند. به خلاف غیر صابران که در اولین برخورد با ناملايمات از راه به در می روند و آنچنان فرار می کنند که پشت سر خود را هم نگاه نمی کنند (همان، ۱۴۱/۱۱).

و به حسب اختلاف موارد نام آن فرق می کند. اگر خویشنداری در مصیبت باشد، آن را «صبر» می گویند. اگر در جنگ باشد، «شجاعت» نامیده می شود که ضد آن «جبن» به معنی «ترس» است و اگر خویشنداری در پیش آمده باشد، آن را «سعه صدر» گویند و اگر در امساک از سخن باشد، «کتمان» می گویند (نمازی شاهرودی، بی تا، ۱۲). «صبر» به معنای ذلت و قبول آن نیست، بلکه مقاومت در برابر عوامل شرّ آفرین، فساد آفرین، انحطاط آفرین است (خامنه ای، ۱۳۸۳، ۲۵).

۱-۲-۶. حلم

حلم در لغت، یعنی خودداری نفس و طبیعت از هیجان و برآشفتگی و خشم است. جمع این واژه «احلام» است. خدای تعالی فرمود: «أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهَذَا...» (الطور: ۳۲) گفته اند: احلام در این آیه یعنی عقل هاشان فرمانشان می دهد، معنی حلم در حقیقت علم و خرد نیست ولی آن را به عقل تفسیر کرده اند زیرا یکی از اسباب و لوازم عقل است. فعل واژه حلم: حَلَمَ و حَلَمَةٌ و تحَلَّمَ است. (بردبار شد و عقل و خرد او را بردبار و شکبیا کرد) (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۲۵۳). صفت حلم از مکارم اخلاق و صفات خداوند متعال و پیامبران و امامان علیهم السلام و مؤمنان شمرده شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱/ ۱۱۰-۱۱۱). از حلم به عنوان برترین عزت و بهترین یاور انسان یاد کرده اند (کلینی، ۱۴۰۱ق، ۲/ ۱۱۲).

مصدری عربی، از ریشه «حَلَمَ» «يَحْلَمُ» به معنای بردباری در زبان فارسی است (ابن شعبه، ۱۳۶۳ ش). صفت مشابه آن حلیم است. منابع لغت، حلم را علاوه بر بردباری، به درنگ و تأمل، تأخیر در کيفر خطاکار، خویشنداری از هیجان غضب و، عقل معنا کرده اند (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ۱۲/۱۴۵). مفاهیم دیگری چون صبر، وقار، عفو، و کَظْمُ غَيْظٍ (فرو خوردن خشم)، معنایی نزدیک به حلم دارند، اما بعضی بین حلم و برخی مفاهیم یاد شده، تفاوت هایی ذکر کرده اند (غزالی، بی تا، ۳/ ۱۷۵-۱۷۷).

۱-۲-۷. رأفت

ریشه این کلمه رأف می باشد. الرأفة در لغت، به معنای مهربانی و رحمت است. خدای تعالی گوید: «لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» (النور: ۲) اشاره به اجرای حدود و قصاص الهی است، درباره مجرمین قطعی می گوید: به خاطر سلامت جامعه نسبت به اجرای خدا رأفت نگیرید (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۲/ ۱۲۶). واژه رأفت